

تاریخ نگاری ایرانی

جولی اسکات میثمی

ترجمه مهدی فرهانی منفرد

www.ketab.ir



پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
انتشارات

تاریخ‌نگاری ایرانی

جولم اسکات میثمی

ترجمه مهدی فدائی منفرد

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۳۵

شمارگان: ۳۰۰

قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

طراح جلد: سیدایمان نور جعفری

چاپ و صحافی: هنگام

سرشناسه: میثمی، جولم اسکات، ۱۹۲۷ م.

عنوان و نام پدیدآور: تاریخ‌نگاری ایرانی / جولم اسکات میثمی؛ مترجم: مهدی فدائی منفرد.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۵۳۴ص.

شابک: ۰ - ۳۷۳ - ۱۰۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه. یادداشت: نمایه.

عنوان اصلی: Persian historiography to the end of the twelfth century

موضوع: تاریخ نویسی اسلامی — ایران.

موضوع: Islam—Historiography -- iran

شناسه افزوده: فرهانی منفرد، مهدی، ۱۳۴۳- مترجم.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ت۲ م/ ۹۰ DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۷۶۹۴۹

تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

www.poiict.ir

همه حقوق محفوظ است

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۱	مقدمه و مترجم
۱۵	مقدمه
۱۵	تاریخ نگارش ایرانی و تاریخ نگاری اسلامی
۲۲	جایگاه و کار دهان تاریخ
۲۸	انواع تاریخ نویسی
۳۷	یادداشت ها
۴۱	فصل اول: تاریخ نگاری ایرانی در عصر سامانیان
۴۳	زمینه بحث
۵۰	شاهنامه منثور ابومنصور طوسی
۵۵	منصور بن نوح و ترجمه فارسی تاریخ طبری
۷۵	شاهنامه فردوسی
۹۱	یادداشت ها
۹۵	فصل دوم: تاریخ نگاری دوران غزنوی
۹۷	چیرگی غزنویان
۱۰۷	تاریخ سلسله غزنوی: تاریخ یمنی عتبی
۱۲۴	زین الاخبار گردیزی
۱۴۳	تاریخ مسعودی اثر بیهقی
۱۸۳	تاریخ سیستان
۲۲۱	یادداشت ها

۲۲۹.....	فصل سوم: تاریخ‌نگاری دوره سلجوقی.....
۲۳۱.....	ظهیر سلجوقیان.....
۲۳۷.....	نظام‌الملک و تاریخ ایران.....
۲۶۱.....	فارسنامه ابن بلخی.....
۲۹۶.....	مجمل التواریخ و القصص.....
۳۲۴.....	تاریخ بیهقی.....
۳۵۱.....	تاریخ‌نگاری اواخر سلجوقیان.....
۳۵۱.....	ظهیرالدین نیشابوری.....
۳۵۷.....	عقدالامان، افضل‌الدین کرمانی.....
۳۶۱.....	را به‌الصدور محمد بن علی راوندی.....
۳۸۵.....	ترجمه تاریخ جمیر از جرباذقانی.....
۴۰۳.....	یادداشت‌ها.....
۴۲۷.....	نتیجه.....
۴۲۹.....	موضوعات تاریخ.....
۴۳۲.....	الگوهای تاریخ.....
۴۳۷.....	تاریخ و اعتبار.....
۴۴۱.....	زبان، سبک و تاریخ.....
۴۵۰.....	بلاغت و سیاست.....
۴۵۵.....	یادداشت‌ها.....
۴۶۷.....	ضمیمه‌ها.....
۴۶۹.....	نقشه‌ها.....
۴۷۳.....	سلسله‌های اصلی تاریخ ایران.....
۴۷۷.....	کتابنامه.....
۴۷۷.....	فهرست اختصارات.....
۴۹۷.....	فهرست آیات.....
۴۹۹.....	فهرست روایات.....
۵۰۱.....	فهرست اشعار.....
۵۰۵.....	نمایه.....

پیشگفتار

در پرتو پیرامونی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، بار دیگر دین و معرفت دینی با ویژه‌های عالیم متعالی اسلامی، به عنوان فکر و فرهنگ مرفعی و نجات‌بخش آدمی در عرصه حیات انسان معاصر ظاهر شد. تجدید حیات تعالیم و حیانی و انسانی اسلامی از سویی سبب بیداری و خودباوری ملت‌های مسلمان و احیای ریح ستم‌ستیزی در آنان شد و از دیگر سو باعث نمایان‌تر شدن سست‌پایگی استکبار و مکتب‌های بشری و نظام‌های مبتنی بر آنها گشت.

بایستگی تحقیقات دقیق و منسجم، نظریه‌بروری و نوآوری درباره زیرساخت‌های اندیشه دینی و نظامات الهی مبتنی بر آن و ضرورت پرداخت علمی و روزآمد به حوادث واقعه فکری، به فراخه شرایط کنونی و درخور این رستخیز عظیم و نیز لزوم آسیب‌شناسی در حوزه فرهنگ ملی و باورداشت‌های رایج دینی به منظور عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و زدودن پیرایه‌های موهوم و موهون از ساحت قدسی دین، تبیین و عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و صیانت از هویت فرهنگی و سلامت فکری اقشار تحصیل‌کرده و نسل جوان کشور، تأسیس نهاد علمی-پژوهشی و آموزشی، دانشگاهی و حوزوی محض و کارآمدی را فرض می‌نمود.

بر این اساس «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» به عنوان یک نهاد

علمی- فکری حسب الامر و بر اساس نظر رهبر فرهیخته انقلاب اسلامی
آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و با تلاش فراوان حجت‌الاسلام
والمسلمین علی‌اکبر رشاد در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد.

این پژوهشگاه دارای شخصیتی حقوقی، مستقل و در حکم نهاد عمومی و
غیردولتی و غیرانتفاعی است که در قالب چهار پژوهشکده حکمت و
دیرپژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی و دانشنامه‌نگاری
ای، همچنین مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

«پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی» که متشکل از پنج گروه
«فرهنگ، دینی»، «مطالعات انقلاب اسلامی»، «تاریخ و تمدن»، «غرب‌شناسی» و
«ادبیات اندیشه» است، در راستای ساماندهی تأملات و کاوش‌ها در خصوص
تحولات فرهنگی و اجتماعی می‌کوشد زمینه تولید آثاری با جهت‌گیری انتقادی
و بومی را در مورد مسائل و مشکلات حوزه‌های یاد شده فراهم سازد.

۱. شناخت و بازپیرایی موارد مکتوب علمی اسلامی در حوزه تاریخ،
تمدن، فرهنگ و هنر ایران و اسلام.

۲. تحقیق در زمینه تحولات، مبانی و مسائل تمدن، فرهنگ و هنر اسلامی ایرانی؛
۳. تحلیل و بازکاوی کاستی‌های دیرین، آسیب‌شناسی وضعیت کنونی و
بررسی چشم‌انداز و چالش‌های آتی فرهنگ و تمدن اسلامی و ارائه راهکارهای
شایسته برای احیا و ارتقای فرهنگ و هنر اسلامی ایرانی و همیق پیوند نسل
امروز با آن؛

۴. بررسی و تبیین نظری پیشینه، مبانی، اهداف و فرآیند تحولات انقلاب
اسلامی و مطالعه و بازشناسی مسائل و موانع انقلاب و راه‌های تحمیل اصول و
توسعه آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی آن و مصون‌سازی طبقات اجتماعی در قبال
تازش فکری- فرهنگی بیگانگان؛

۵. بازشناسی ماهیت و مؤلفه‌های فکر و فرهنگ غربی و نقد و ارزیابی
علمی دستاوردهای تمدن جدید، بررسی راه‌های توسعه اندیشه اسلامی و طرق
دستیابی به عناصر انسانی و عقلانی فرهنگ و تمدن دیگر ملل؛

۶. نقد آثار منتشرشده و آرای مطرح‌شده در حوزه‌های مطالعاتی پژوهشکده.

نوشتار حاضر که نتیجه تلاش علمی محقق ارجمند جناب آقای دکتر مهدی فرهانی منفرد در گروه تاریخ و تمدن پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی است، به موضوع تاریخ‌نگاری ایرانی می‌پردازد.

تا کنون درباره تاریخ‌نگاری ایرانی در برهه مورد بحث اثر حاضر، پژوهشی یک‌چهارم سده ششم هجری / دوازدهم میلادی به بحث کشیده و دیدگاه‌های تحلیلی شایان توجه ارائه کرده است. این اثر برای دانشجویان تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران یک متن درسی بسیار ضروری است.

کتاب تاریخ‌نگاری ایرانی، بر این باور نهاده شده که این موضوع در آثار و پژوهش‌های غربی درباره تاریخ‌نگاری اسلامی ناچیز انگاشته شده و بدان توجه خاصی نشده است. می‌بایست کوشش نشان دهد تاریخ‌نگاری ایرانی از آغاز تا سده ششم هجری / دوازدهم میلادی سهم برجسته و ارزشمندی در تاریخ‌نگاری جهان اسلام دارد.

لازم به یادآوری است که ترجمه این اثر از سال ۱۳۸۴ شروع شد، اما به دلیل مشکلاتی که در روند چاپ به وجود آمد، چاپ و انتشار آن به تأخیر افتاد. در این فاصله ترجمه دیگری^۱ از این کتاب به بازار عرضه شد. با این حال با تأکید ویژه ریاست محترم پژوهشگاه، چاپ این اثر در دستور کار گروه تاریخ و تمدن قرار گرفت.

بر خود لازم می‌دانیم از تلاش‌های علمی و ارزشمند مترجم محترم جناب آقای دکتر مهدی فرهانی منفرد قدردانی و تشکر نماییم؛ همچنین از شورای علمی گروه تاریخ و تمدن، آقایان حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد، حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محرمی، دکتر شهریار شجاعی‌پور، دکتر

علی بیگدلی، دکتر محمد سپهری، دکتر محمدا میر شیخ نوری، دکتر سیدحسین فلاح‌زاده، دکتر هوشنگ خسروییگی، دکتر سیدعلیرضا واسعی و صادق حیدری‌نیا و نیز ارزیابان محترم این تحقیق، آقایان دکتر محمد سپهری و دکتر محسن الویری که با ارائه نظرهای ارزشمند خود بر غنای این اثر افزودند، کمال سپاس و امتنان را داریم. از سازمان محترم انتشارات که در آماده‌سازی و چاپ اثر، مجدانه تلاش نمودند، سپاسگزاریم. در پایان امیدواریم نظرها و دیدگاه‌های خوانندگان عزیز و علاقه‌مند، ما را در اصلاح و تکمیل این اثر و ترید آثار گرانسنگ دیگر یاری رسانند.

گروه تاریخ و تمدن

پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی

■ مقدمه مترجم ■

کتاب تاریخ‌نگاری ایرانی یکی از ارزنده‌ترین آثاری است که درباره تاریخ‌نگاری ایران نگاشته شده است. نویسنده کتاب، استاد بنیاد مطالعات شرقی در دانشگاه کسپورد و مؤلف آثار متعددی در زمینه ادبیات عربی و فارسی است: شعر دری فارسی در قرون میانه (۱۹۸۷)، بحرالفوائد، دریای ارزشمند فضایل (۱۹۹۱)، درباره ترجمه حافظ (۱۹۹۱) ترجمه هفت‌پیکر نظامی به زبان انگلیسی (۱۹۵۵)، شعر نظام گنجوی، دانش، عشق و سخنوری (۲۰۰۱)، ساختار و معنا در شعر عربی فارسی قرون میانه (۲۰۱۱)، ازجمله آثار اوست. این کتاب‌ها و همچنین مقالات متعددی که از او در زمینه مطالعات اسلامی و ایرانی انتشار یافته است، گستره دانش او را در حوزه مطالعات ادبی نشان می‌دهد. کتاب تاریخ‌نگاری ایرانی (۱۹۹۹) نیز در شمار آثار ارزشمند اوست.

از آنجا که واژه Persian را به هر دو شکل «فارسی» و «ایرانی» می‌توان ترجمه کرد، مترجم درباره انتخاب معادل فارسی نام کتاب، تردید و تأمل بسیار داشت. برای برگزیدن هریک از این نام‌ها، قرائن و دلایل بسیاری در کتاب وجود دارد، ولی چون قرائنی که نام تاریخ‌نگاری ایرانی را تأیید می‌کرد، بیشتر بود، سرانجام این نام برگزیده شد. دست‌کم پرداختن مؤلف کتاب به اثری عربی مانند تاریخ یمینی می‌توانست در رسیدن مترجم به تصمیم نهایی درباره نام کتاب تعیین‌کننده باشد.

خواننده آشنا به پژوهش‌های تاریخ‌نگاری واقف است که جای چنین اثری تا چه اندازه در میان این پژوهش‌ها خالی است. کتاب حاضر، بر خلاف بیشتر کتاب‌هایی که درباره تاریخ‌نگاری ایران و اسلام تألیف شده‌اند، تنها به شکل و خصوصیت‌های ساختاری تاریخ‌نگاری نپرداخته و به مسائل اساسی‌تر تاریخ‌نگاری توجه نشان داده است. مؤلف با بررسی دقیق و واکاوی متون تاریخ‌نگاری ایران، کوشیده است به مضامین ظریف، طرح کلی نهفته در پس‌انداخت‌های تاریخی و دلالت‌های محتوایی و حتی فلسفی متون تاریخ‌نگاری راه برد و جریان‌های فکری نهفته در روند تاریخ‌نگاری ایران را به خواننده معرفی کند. همین‌گونه معنی، سبب شده است که گاه مباحث فلسفی کتاب، پیچیدگی‌هایی داشته باشد و طبیعتاً این پیچیدگی‌ها کار ترجمه را دشوارتر کرده است.

خواننده آشنا به نام‌های تاریخ‌پژوهان غربی ممکن است با نام‌هایی روبه‌رو شود که برایش تازگی دارد. مهم‌ترین این‌ها چون لمبتون، باسورث و برتولد، در این اثر به شکل لمتون، بازورس و برتلت آمده است. چون باید برای ضبط نام‌های لاتین از شیوه‌ای هماهنگ استفاده می‌کنیم. کتاب فرهنگ تلفظ نام‌های خاص (فریرز مجیدی، ۱۳۸۱) را مبنای کار قرار داد و ترجیح دادم در تمام موارد به این شیوه پایبند بمانم؛ بنابراین نمی‌توانستم مرتب از این نام‌ها را که برای خوانندگان فارسی‌زبان آشنا و مأنوس است، ولی در آن کتاب ضبط دیگری دارد، بپذیرم.

کتاب تاریخ‌نگاری ایرانی، شایسته معرفی و نقدی منصفانه است که در این پیشگفتار مختصر نمی‌توان بدان پرداخت و امیدوارم در حال آینده مستقل این مهم را انجام دهم. باین حال، هر جا به نکته‌ای شایان توضیح یا درخور انتقاد برخورده‌ام، در پانویست صفحات توضیح داده‌ام و کوشیده‌ام کاستی‌های متن اصلی را ذکر و اصلاح کنم.

ترجمه کتاب تاریخ‌نگاری ایرانی، بیش از سه سال پیش آغاز شد. این کار را زمانی بر عهده گرفتم که هم زمان و هم شوق کافی برای به انجام رساندن چنین کاری وجود داشت. کمی بعد، مسئولیتی ناخواسته بر دوشم نهاده شد که

دو سال تمام مرا از تمام کارهای پژوهشی دور کرد و ترجمه این کتاب نیز، که به نیمه راه رسیده بود، متوقف شد. تلاش‌هایم برای یافتن کسی که به پیشرفت این کار کمک کند، نتیجه وارونه داد و موجب تعویق بیشتر کار شد. کاری که پیش از سفر من به آمریکا، برای نهایی شدن تنها به چند ماه کار نیاز داشت، به عللی که در اینجا مجال ذکر آن نیست، بیش از ده ماه متوقف شد و در مرداد ماه سال ۱۳۹۰ دوباره به جریان افتاد. بخشی از ویرایش کار را دوست ارجمندم جناب آقای شهرام رجب‌زاده انجام داد، ولی زحمت اساسی ویرایش کار را سرکار خانم الهه محبی بر دوش کشید و با پی‌گیری و تلاش بی‌وقفه آن را به سامان رساند. به شک، اگر همراهی، همدلی و تلاش ایشان نبود، این کار هرگز به فرجام نمی‌رسید. ایشان افزون بر ویرایش اثر، زحمت نظارت بر مراحل مختلف حروفچینی کار را هم بر عهده داشتند.

باید بیش از هر چیز از همکار ارجمندم دکتر محمدمیر شیخ‌نوری سپاسگزار باشم که برای همین کار خطیری به من اعتماد کرد و بدقولی‌ها و دیرکردهایم را بزرگواریانه نادیده داشت. برخی رایزنی‌هایم با آقای ابوالفضل خطیبی و لطف ایشان در گشودن باسکول‌ها، مشکلات درباره ارجاعات شاهنامه کارگشا بود و باید از ایشان نیز سپاسگزاری کنم. از گروه کوچک دانشجویانم در درس تاریخ‌نگاری ایران که نسخه‌ای از ترجمه را خواندند و برخی اشکالات متن را به من یادآوری کردند، به‌ویژه از خانم‌ها سیرالی، مردوخ‌ی و نوری سپاسگزارم. در حروفچینی متن، دوستان متعددی بهم بودند. زحمت حروفچینی بخش‌هایی از کار بر عهده سرکار خانم زهره بهرندوز سرکار خانم لیلا اشرفی و جناب آقای امین شجاعی قرار گرفت که از همه آنان سپاسگزارم. بالاین حال در این زمینه نیز بار اصلی بر دوش سرکار خانم فریبا فرامی بود که با گذشت و بزرگواری فراوان از هیچ تلاشی برای پیشبرد کار دریغ نکردند. سپاسگزاری از ایشان کمترین کاری است که از دستم برمی‌آید. از آنجا که این کار در زمان و شرایط مختلفی ترجمه شده است، شاید پاره‌ای نایکدستی‌ها و ناهماهنگی‌ها در متن مانده باشد که مسئولیت هرگونه خطا و اشتباهی بر عهده

من است و از خوانندگان ارجمند درخواست می‌کنم خطاهای مرا گوشزد کنند تا در چاپ بعدی کتاب اصلاح شود. در پایان نیز وظیفه خود می‌دانم از مدیران و مسئولان پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی به پاس حمایت‌هایشان در ترجمه و انتشار این کار سپاسگزار باشم.

مهدی فرهانی منفرد

www.ketab.ir

■ مقدمه ■

تاریخ‌نگاری ایرانی و تاریخ‌نگاری اسلامی

این پژوهش بر آن است جایگاه نوشته‌های تاریخی اولیه ایران را در نقشه تاریخ‌نگاری اسلام مشخص کند. طبق سنت، این حوزه پژوهشی، غنی از آثار نوشته‌شده به زبان عربی است. برای نمونه، می‌توان تنها نگاهی به تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، اثر فرانز رزنتال^۱ (۱۹۵۲)، چاپ تجدیدنظرشده (۱۹۶۸) انداخت و دید که شاگرد مورخان ایران نام برده شده در آن چقدر اندک است.

برتولت اسپولر^۲ در سال ۱۹۶۲ در مقاله‌ای با عنوان «تحول تاریخ‌نگاری ایران»^۳ نوشت:

به نظر می‌رسد برای ایرانیان پیش از اسلام تاریخ‌نگاری اهمیت زیادی نداشته است.

از این رو، تنها پیش‌نمونه‌ای که مورخان ایرانی دور اسلامی در اختیار داشتند، به عربی بود. این نظر خلاف واقع، از دیرباز شناخته شده است؛ به ویژه که ساسانیان از سنت‌های تاریخ‌نویسی متنوعی برخوردار بودند: از تاریخ‌های

1. A History of Muslim Historiography.

2. Franz Rosenthal.

3. Bertold Spuler.

4. "The Evolution of Persian Historiography"

سلطنتی «رسمی» یا روحانی‌مآبانه گرفته تا آثار عمومی‌تری همچون پهلوان‌نامه‌های ایرانیان برجسته؛ و این سنت‌ها با ظهور اسلام از بین نرفته بود و هم بر نوشته‌های تاریخی عربی و هم بر نوشته‌های تاریخی بعدی فارسی اثر گذاشت. (۱) افزون بر این، اشپولر نوشت:

برای متخصصان این رشته این حقیقتی روشن است که تا شروع دوره مغول، یعنی میان سال‌های ۶۲۰-۶۵۳ هجری / ۱۲۲۲-۱۲۵۵ میلادی،^۱ به‌ندرت می‌توان اثری به زبان فارسی یافت که در آن به تاریخ ایران پرداخته شده باشد (اشپولر، ۱۹۶۲: ۱۲۶-۱۲۷).

بشتر حینی که در این مطالعه به آنها توجه شده و تا زمانی که اشپولر مقاله‌اش را نگاشت، انتشار یافته بود، به تاریخ پیش یا پس از ظهور اسلام از «چشم‌اندازی غربی» پرداخته و از این‌رو عمدتاً بر رخداد‌های شرق تمرکز یافته است. باین‌حال، بیرون‌ت‌پید، هنوز فرضیه‌هایی از این‌دست وجود دارد که عموماً از تاریخ‌نگاری آغازین ایران غفلت می‌ورزد، اگرچه اخیراً توجهی کم‌وبیش جدی به نوشته‌های تاریخی پیش از مغول (چهارم تا ششم هجری/ دهم تا دوازدهم میلادی) آغاز شده است.

دلیل دیگر چنین غفلتی، این نگرش بوده است که تاریخ‌نگاری ایرانی، در هم‌سنجی با نمونه‌های اولیه تاریخ‌نگاری عربی،^۲ حدس از انگیزه‌های جدی علمی و مذهبی کمتری برخوردار بوده است. در ۱۹۳۸، در مقاله‌ای که ابتدا در ضمیمه EII، به چاپ رسید، گیب^۳ هم برای تأثیر زبان‌باستان‌های تاریخی ایران پیش از اسلام بر تاریخ‌نگاری عربی و هم برای «عرفی کردن تاریخ» در هر دو زبان فارسی و عربی اظهار تأسف کرد.

او با توجه به ظهور «روایت تاریخی پیوسته» (عمدتاً بر پایه الگوهای ساسانی) در آثار مورخان عرب سده سوم/نهم، مانند بلاذری، دینوری و

۱. از این‌پس در سراسر متن، تاریخ‌های سمت راست ممیزه هجری قمری و تاریخ‌های سمت چپ آن، میلادی است.

2. H. A. R. Gibb.

یعقوبی اظهار داشت که روند کلی تاریخ‌نگاری عربی، پیش‌تر با ورود مواد به‌دست آمده از روایات یهودی و مسیحی آمیخته شده بود.

تأثیر سنت ایرانی هم به همین اندازه ناخوشایند بود... به‌محض اینکه تاریخ [اسلام] از زمینه کهن اسلامی خود فزاینده‌تر رفت، دوباره دشواری فرق نهادن میان عناصر افسانه‌ای، شبه‌افسانه‌ای و تاریخی پدید آمد و با این دشواری، گرایش به اعتماد کردن به همه مواد در دسترس، افزایش یافت. نیز، ویژگی‌های منابعی که مورخان عرب، مواد خام آن را از تاریخ کهن ایران و سرزمین‌های دیگر گرفته بودند، این گرایش را شدت می‌بخشید (۱۹۸۲: ۱۱۶-۱۱۷).

گیب موضوع را چنین می‌دید که در مسیر تاریخ‌نویسی، تأثیر نهادن عناصر خارجی در سرچشمه‌های اصیل اسلامی، به همان اندازه زیان‌بار بود که تغییر برای مورخان در مورد نیمه سده چهارم/دهم و روی آوردن آنان به نوشتن سال‌شماری معاصر با همان تاریخ دودمانی. او خاطرنشان کرد در همین مقطع ناخوشایند بود که دوباره نوشتن آثار تاریخی به زبان فارسی آغاز شد (۱۹۸۲: ۱۲۴). این «مقطع ناخوشایند»، در حقیقت، به گونه‌ای خاص، برهه‌ای پویا در زندگی سیاسی و فرهنگ از اسلام به‌شمار می‌آید و تصادفی نیست که در همین برهه، هم در تاریخ‌نگاری عربی و هم در نخستین تواریخ نگاشته‌شده به زبان فارسی کارهای تازه‌ای ارائه شد. (۲)

پیش‌تر، دانشمندانی که به نخستین متون تاریخی پارسی می‌پرداختند، عموماً به جای توجه به مباحث تاریخ‌نگارانه، توجه خود را به مباحث واژه‌شناختی محدود می‌کردند و متون را در محدوده آثار شرق‌شناسی فارسی مطالعه می‌کردند و داده‌های تاریخی از آن بیرون نمی‌کشیدند. شمار اندکی از آنان پیش‌تر رفتند و به علت‌ها و چگونگی‌ها توجه نشان دادند و پرسیدند: انگیزه‌های نگارش تاریخ به زبان فارسی چه بود؟ همچنین درباره سبک، مخاطب، حمایت و پذیرش تاریخ‌نگاری پرسش‌هایی مطرح نمی‌شد.